

Comparison of Job Adaptation Indicators in Crisis between Men and Women

Somaye Kazemian¹

1. Associate professor, Allameh Tabatabaee University, Tehran, Iran.

ABSTRACT

Received: 30/10/1399 - Accepted: 15/08/1400

Aim: The aim of this study was to compare job adaptation indicators for men and women in crisis. **Methods:** The present research method is mixed (qualitative-quantitative). Families living in city of Sarpolzahab who remained in their city after the Kermanshah earthquake and adapted to the conditions of their area of residence were the sample population. Cluster random sampling method was used to select the sample members. Five districts were selected from the total number of families living in city of Sarpolzahab, in which 380 families were selected as the research sample. A researcher-made questionnaire was used to measure job adaptation to crisis. The construction and adjustment of this questionnaire was obtained through statistical themes from qualitative data. In the present study, the total validity coefficient of the job matching questionnaire with crisis was 0.886. Multivariate analysis of variance was used to analyze the data and Tukey post-hoc test results were reported in more detail. **Findings:** The findings showed that the components of professional adaptation (professional occupations based on ability and skill, professional occupations based on knowledge and professional occupations based on motivation) did not differ significantly between men and women. **Conclusion:** Based on the findings of the present study, it can be concluded that due to the crisis, women and men, due to their gender roles, the necessary adaptation happened in the crisis and no significant difference was found between them in terms of job adaptation.

Keywords: Job adaptation, crisis, women and men



کاوش و مقایسه شاخص‌های تطابق شغلی در زنان و مردان در بحران: یک مطالعه آمیخته

سمیه کاظمیان^۱

۱. دانشیار گروه مشاوره، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

(صفحات ۳۵-۴۹)

چکیده

پژوهش حاضر با هدف مقایسه شاخص‌های تطابق شغلی در بحران در زنان و مردان انجام شد. روش پژوهش: روش پژوهش حاضر، آمیخته (کیفی-کمی) محسوب می‌شود. خانواده‌های ساکن در شهر سرپل‌ذهاب که پس از زلزله کرمانشاه همچنان در شهر خود ماندند و با شرایط منطقه سکونت خود انطباق یافتند، جامعه آماری مطالعه را تشکیل می‌دادند. برای انتخاب اعضای نمونه از شیوه تصادفی خوشه‌ای استفاده شد. از بین مجموع خانواده‌های ساکن در شهر سرپل‌ذهاب پنج منطقه انتخاب شدند و با توجه به موارد فوق، تعداد ۳۸۰ نفر از خانواده‌های ساکن در شهر سرپل‌ذهاب به عنوان نمونه پژوهش انتخاب شدند. به منظور اندازه‌گیری تطابق شغلی با بحران از پرسشنامه‌ی محقق ساخته استفاده شد. ساخت و تنظیم این پرسش‌نامه‌ها از طریق مضمون‌های احصایی از داده‌های کیفی بدست آمد. در پژوهش حاضر ضریب اعتبار کل پرسشنامه تطابق شغلی با بحران ۰/۸۸۶ بدست آمد. جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها، از تحلیل واریانس چند متغیری استفاده شد و به منظور بررسی جزئی‌تر نتایج آزمون تعقیبی توکی گزارش شد. یافته‌ها: یافته‌های پژوهش نشان داد که مؤلفه‌های تطابق حرفه‌ای (مشغولیت‌های حرفه‌ای بر مدار توانایی و مهارت، مشغولیت‌های حرفه‌ای بر مدار دانش و مشغولیت‌های حرفه‌ای بر مدار انگیزش) میان زنان و مردان تفاوت معناداری بوجود نیامد. براساس یافته‌های پژوهش حاضر می‌توان اینطور نتیجه گرفت که با توجه به شرایط بحران، زنان و مردان با توجه به نقش‌های جنسیتی خود، بخوبی در بحران انطباق‌پذیری لازم را پیدا کردند و میان آنان تفاوت خاصی از حیث تطابق شغلی یافت نشد.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۰/۲۰ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۸/۱۵

واژه‌های کلیدی: تطابق شغلی، بحران، زنان و مردان

مقدمه

حوادثی که در اثر رخداد و عملکردهای طبیعی و انسانی به طور ناگهانی به وجود می‌آید و خساراتی را به یک مجموعه یا جامعه انسانی تحمیل می‌کند و بر طرف کردن آن نیاز به اقدامات اضطراری و فوق العاده دارد، بحران نامیده می‌شود (شکیب و مقدسی، ۱۳۸۵).

بحران زلزله یک واقعه چند وجهی است، «سیاسی»، «اجتماعی»، «اقتصادی»، «روان‌شناختی»، «دینی» و «اعتقادی». در تمامی این وجوه، ابعاد دوگانه مثبت و منفی در حال شکل‌گیری است. نکته اساسی این جریان قابلیت جهت بخشی و کنترل این وجوه بود (کاظمیان، ۱۳۹۷).

بحران یک نقطه گسست در حیات سیستم اجتماعی است که در آن روند عملکرد روزانه یک سیستم از حالت عادی و با ثبات خارج شده و رفتاری ناآشنا و غریب از آن نمایان می‌گردد (چنگی و کاظمیان، ۱۳۹۷).

بحرانهایی چون زلزله می‌تواند بر عملکردهای روان‌شناختی مادر و خانواده نظیر قدرت انطباق‌پذیری خانوادگی تأثیر بگذارد. در واقع با توجه به ماهیت زلزله در زمینه مشکلات و مسائل منتج از آن، خانواده‌ها با عوامل پرتنشی برخورد می‌کنند که پیامدهای روانی گسترده‌ای دارد و با مشکلات روان‌شناختی و اجتماعی زیادی روبرو هستند (جلیلیان، صیدی و گل محمدیان، ۱۳۹۹). به این ترتیب مشکلات حاصل از زلزله می‌تواند ساختار خانواده را نیز تحت تأثیر قرار دهد چرا که خانواده‌ها و به خصوص مادران اغلب دچار استرس و اضطراب ناشی از شرایط کودک خود هستند. در واقع مراقبت از خانواده ملزوماتی دارد که از ابعاد مختلف، محدودیت‌هایی در برقراری زندگی عادی و متعادل برای خانواده ایجاد می‌کند و این محدودیت‌ها می‌توانند انسجام و انطباق‌پذیری خانواده را از حالت متعادل خارج کنند. بر این اساس می‌توان گفت در خانواده زلزله زده، فشارهای زیادی بر خانواده وارد می‌شود که شاید بر روابط عاطفی بین

اعضا تأثیر بگذارد و انسجام خانواده را از حالت متعادل خارج کند و به سوی حالت بی‌قید و بند و یا درهم تنیده سوق دهد (تولنتیو^۱، ۲۰۱۴). در خانواده‌ای که نسبت به تغییرات بسته و محدود عمل می‌کند و قادر به سازگار شدن با شرایط جدید نیست؛ این عدم انطباق پذیری موجب تحمیل شدن استرس مضاعف به خانواده می‌شود و بستر آشکارسازی مشکلات روانی برای اعضای خانواده می‌شود. این نیاز به سازگاری و هماهنگی به طور معمول با احساساتی از پریشانی همراه است که محرک و انگیزه رسیدن به انطباق محسوب می‌شود. افرادی که تمایل به انطباق پذیری دارند باید از منابع خودتنظیمی برای تحمل شرایط تغییر استفاده کنند (لنت و براون^۲، ۲۰۱۲). هال (۲۰۰۵) معتقد است که انطباق پذیری فراصلاحیتی است که فرد را قادر می‌سازد تا خودش را اصلاح کند و فعالانه به مطالبات جدید محیط پاسخ دهد (سلطان زاده، ۱۳۹۱).

در سیستم انگیزشی فورد مؤلفه‌های اهداف، کارکرد جهت دهی دارد؛ جهت‌گیری هدف یادگیری و جهت‌گیری هدف عملکرد. در جهت‌گیری هدف یادگیری صلاحیت را از طریق دستیابی به مهارت‌های جدید و تسلط بر موقعیت‌های چالشی توسعه می‌دهند. کسانی که جهت‌گیری هدف یادگیری دارند، توانایی را متغیر و قابل افزایش می‌دانند و بنابراین در دیدگاه آنها تلاش موجب موفقیت می‌شود. بنابراین آنها الگوی پاسخ انطباقی را به کار می‌برند که باعث می‌شود از چالش‌ها لذت ببرند، تلاشگر باشند و سماجت نشان دهند (مسا، ۲۰۱۲). چنانچه هدف ما افزایش انطباق پذیری باشد بهتر است برپیش‌بینی‌کننده‌های انگیزشی انطباق‌پذیری تمرکز کنیم چرا که انگیزش عامل فعال ساز رفتار انسان است (زاگر، ۲۰۱۴).

امروزه بسیاری از محققان در تحقیقات خود به بررسی متغیرهای تأثیرگذار بر انطباق‌پذیری مسیر شغلی به صورت مجزا پرداخته‌اند که از میان آنها به شخصیت، خودکارآمدی، جهت‌گیری هدف، حمایت اجتماعی، آموزش مهارت‌های لازم، ثبات و

1. Tolentino.

2. Lent, R. W., & Brown, S. D.

واقع‌بینی در آرزوها، حضور در تصمیم‌گیری و استقلال، گرایش هیجانی مثبت به تجربه حضور در موقعیت‌هایی که انطباق‌پذیری را می‌طلبد و انگیزش پیشرفت و تحمل ابهام می‌توان اشاره کرد (یوسفی، ۱۳۹۰).

در واقع توانایی‌های انطباق از طریق تعامل بین دنیای درونی و بیرونی شخص رشد و توسعه می‌یابد و به شدت به نقشه‌ای خاص و اتفاقات بافتی یا زمینه‌ای مربوط است (رویسر، زکا استافر، مگیوری و دونالد^۱، ۲۰۱۲). انطباق‌پذیری نیازمند تغییراتی در رابطه فرد با افکار و احساساتش است به نحوی که دیگران مسائل را، مشکلات نبینند و آنها را فرصتهایی برای رشد ببینند (یوسفی، ۱۳۹۰).

پارسونز مردان را برای نقش‌های ابزاری و زنان را برای نقش‌های عاطفی و منفعلانه مناسب می‌داند. عده‌ای نیز بر این مساله تاکید دارند که اشتغال زنان موجب می‌شود آن‌ها نقش‌های سنتی خود اعم از رسیدگی به امور خانه و بچه‌داری را رها کنند (صالحی و همکاران، ۱۳۹۲). برخی معتقدند نقش زنان منحصر در تدبیر امور منزل خلاصه می‌شود، حال آنکه مردان علاوه بر نقشی که در خانواده ایفا می‌کنند، وظایفی نیز در جامعه به عهده دارند؛ اگر این نقش‌ها دچار آشفتگی شوند تمام جامعه آشفته خواهد شد (بنی فاطمه و مهید، ۱۳۸۹).

در زندگی انسان همواره مسائل و مشکلات گوناگونی وجود دارد که برخی از آنها بسیار طاقت‌فرساست، از طرفی شیوه‌ی مواجهه همه‌ی افراد نیز یکسان نیست، در مشاهده این قبیل مردم، این سؤال به ذهن خطور می‌کند که چرا برخی از افراد در برخورد با عوامل فشارزا، انعطاف‌پذیری خاصی پذیرند و چطور توان مقابله و مقاومت خود را حفظ می‌کنند، در حالی که در برخی دیگر تحت شرایط مشابه، دچار شکنندگی روانی و رفتاری شده و عملکردهای ضعیف و ناکارآمد از خود نشان می‌دهند.

گاردنر (۲۰۱۱) دریافتند که برخی افراد، با وجود شرایط نامساعد، وضعیت رفتاری

1. Rossiet, Zecca, Staffer, Maggiori & Dauwalder.

مناسبتی دارند و هیچ مشکل رفتاری از خود نشان نمی‌دهند و این یافته‌ها موجب این سؤال شد که چرا برخی از افراد تحت تأثیر عواملی که برای بسیاری از افراد دیگر، مشکلات عاطفی و روانی به وجود می‌آورند، این پیامدها را تجربه نمی‌کنند، پرسش‌های اینچنینی از مشاهدات بالینی، منجر به توجه بیشتر به این سؤال پژوهشی شد که نقش مؤلفه‌های تطابق شغلی با بحران میان زنان و مردان چیست و شاخص‌های شغلی در بحران میان زنان و مردان چه تفاوت‌هایی دارد؟

روش پژوهش

روش پژوهش حاضر، آمیخته (کیفی-کمی) محسوب می‌شود. جامعه و روش نمونه‌گیری در بخش کیفی شامل آن دسته زنانی بود که پس از زلزله کرمانشاه بخوبی با شرایط پس از زلزله کنار آمده بودند. از میان جامعه مذکور نمونه‌گیری به صورت هدفمند تا حد اشباع (۲۴ نفر) ادامه یافت. و جامعه در بخش کمی را زنان و مردان ساکن در شهر سرپل‌ذهاب تشکیل می‌دادند که پس از زلزله کرمانشاه همچنان در شهر خود ماندند و با شرایط منطقه سکونت خود انطباق یافتند. برای انتخاب اعضای نمونه از شیوه تصادفی خوشه‌ای استفاده شد. از بین مجموع زنان و مردان ساکن در شهر سرپل‌ذهاب پنج منطقه انتخاب شدند و با توجه به موارد فوق، تعداد ۱۵۴ زن و ۱۵۴ مرد از خانواده‌های شهر سرپل‌ذهاب به عنوان نمونه پژوهش انتخاب شدند و پرسشنامه تطابق شغلی با بحران را تکمیل کردند.

ابزار پژوهش: به منظور اندازه‌گیری تطابق شغلی با بحران از پرسشنامه‌ی محقق ساخته‌ای با عنوان پرسشنامه تطابق شغلی با بحران استفاده شد. ساخت و تنظیم این پرسش‌نامه از طریق مضمون‌های احصایی از داده‌های کیفی بدست آمد. در پژوهش حاضر ضریب اعتبار کل پرسشنامه تطابق شغلی با بحران ۰/۸۸۶ بدست آمد. جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها، از تحلیل واریانس چند متغیری^۱ استفاده شد و به منظور بررسی جزئی تر نتایج آزمون تعقیبی توکی گزارش شد.

یافته‌ها:

جدول ۱. مضامین اصلی و فرعی مرتبط با درون مایه تطابق مشغولیت‌های حرفه‌ای

درونمایه نهایی تجربه زیسته	مضامین اصلی	مضامین فرعی	گزاره‌ها
تطابق مشغولیت‌های حرفه‌ای	مدیریت برمدار توانایی و مهارت	بهره‌گیری از هنر و ذوق جهت رفع نیازهای روانی	روی آوردن به مهارت‌ها جهت سامان بخشی به آشفتگی‌های ذهنی برپایی مهدکودک جهت فراغت مادران بهره‌گیری از هنرهای دستی جهت غنی‌سازی اوقات فراغت
		راه‌اندازی مشاغل قبلی با حداقل امکانات جهت رفع نیازهای اقتصادی	احداث کلاس قرآن احداث سوپرمارکت محلی تخریب شده بازگشت به فعالیت‌های مفید کنار گذاشته شده
		بهره‌گیری از شرایط سخت جهت تقویت توان مقاوتی در مشاغل دیربازده	پرورش آبریزان راه‌اندازی محصولات گلخانه راه‌اندازی باشگاه ورزشی

گزاره‌ها	مضامین فرعی	مضامین اصلی	درونمایه نهایی تجربه زیسته
یادگیری مشاغل برحسب نیاز خانواده	کسب مهارت‌های جدید از یکدیگر	مدیریت بردار دانش	
یادگیری مشاغل برحسب علاقه‌های مشترک			
یادگیری مشاغل برحسب امکانات			
از بین رفتن مشاغل صنعتی مسبب توجه به امکانات طبیعت و محیطی	خلایقت در ایجاد مشاغل	مدیریت زنانه بردار انگیزش	
آثار باستانی مسبب توجه به جاذبه‌های گردشگری			
احساس سودمندی برای خود و دیگران	کار کردن با انگیزه خدمت		
لذت بردن از خدمت رسانی			
فشار نیازهای اقتصادی خود و خانواده	کار کردن به دلیل فشار زندگی		
فشار ناشی از مسئولیت پذیری در قبال خانواده			
ایجاد انگیزه پویایی و تحرک برای رسیدن به آینده‌ای بهتر	اشتیاق به مشاهدهی تاثیرات حاصل از کار		
امید به داشتن موفقیت بیشتر همراه با پشتکار			
ایجاد نگاهی مثبت و فعال به زندگی			
ایجاد انگیزه برای تحقق بخشیدن به رویاها	کار همسر		
احساس تعهد در مقابل همسر	انگیزه‌ای برای طرف دیگر		
احساس تعهد در دستیابی به اهداف مشترک			

طبق یافته‌های پژوهش افراد با بهره‌گیری از هنر شخصی خود جهت رفع نیازهای روانی با رو آوردن به مهارت‌ها، برپایی مهدکودک جهت فراغت مادران و بهره‌گیری از هنرهای دستی جهت غنی‌سازی اوقات فراغت توانسته بودند خود را با شرایط سازگار سازند. به عنوان مثال مشارکت کننده‌ای می‌گفت «من قبل از زلزله برای خودم و

خانواده‌ام خیاطی می‌کردم به خیری آمد و بهش گفتم اگر بهم به چرخ بدید می‌تانم خرج خودم رو در بیارم، الان هم حوصله سر نمیره که بخوام به بچه و زخم گیر بدم، هم دارم ازش نان درمی‌آورم».

راه اندازی مشاغل قبلی با حداقل امکانات جهت رفع نیازهای اقتصادی در قالب احداث کلاس قرآن، احداث سوپرمارکت محلی تخریب شده و بازگشت به فعالیت‌های مفید گذشته توانسته بود مدیریت را بر مدار توانایی و مهارت‌های آنان نشان دهد و راهی برای انطباق پذیری با شرایط جدید ایجاد نماید. شرکت کننده‌ای بیان می‌کرد «سوپر مارکتمون خراب شد، رفتم به کانکس خریدم الان خودم توش وایمیستم و خرجی رو در میارم».

شرایط سخت ناشی از زلزله برای مشاغلی که پرسود هستند ولی بازدهی طولانی مدتی دارند نیازمند صبر و توان مقاومتی زیاد است. که برخی از افراد از طریق پرورش آبیان، راه اندازی محصولات گلخانه‌ای و راه اندازی باشگاه‌های ورزشی توانسته بودند آن را با مهارت و توانایی خود مدیریت کنند. به عنوان مثال مشارکت کننده‌ای بیان می‌کرد «رفتم از جهاد وام گرفتم به قسمت زمین کشاورزی رو داریم استخراجیم که پرورش ماهی راه بیاندازیم» و یا دیگری می‌گفت «خودم این خیار و گوجه‌ها رو کاشتم و میبرم بازار می‌فروشم»

آنچه در این بحران مدیریت را بر مدار دانش نشان می‌داد، کسب مهارت‌های جدید از یکدیگر و خلاقیت در ایجاد مشاغل بود. یادگیری مهارت‌های جدید بر حسب نیازهای خانواده، علاقه‌های مشترک و امکانات تعریف می‌گردید. «به عنوان مثال مشارکت کننده‌ای بیان می‌کرد «من قالی بافی خیلی دوست داشتم ولی هیچ وقت شرایطش پیش نیامده بود که برم یاد بگیرم، وقتی زلزله آمد یکی آمد و بهمون یاد داد الان دار قالی زدم و می‌بافم».

خلاقیت در ایجاد مشاغل با از بین رفتن امکانات، مقوله‌ای بود که برخی افراد با توجه

به امکانات محیطی خود و نگاه ارزیابانه به آثار باستانی منطقه به آن دست یافته بودند. با از بین رفتن مشاغل صنعتی توجه برخی از اشخاص به امکانات طبیعت و محیط جلب شده و از آن برای کسب درآمد بهره می‌بردند. مشارکت‌کننده‌ای بیان می‌کرد: «وقتی کارخونه تعطیل شد منم دیدم کلی مرغ و جوجه دور و برمان هست بزار از همینا منبع درآمد درست کنم، الان خداروشکر خیلی کمک خرجمانه». و یا دیگری بیان می‌کرد: «ما کلی توهمین سرپل آثار باستانی داریم چرا نباید از اینا استفاده کنیم و منبع درآمد ایجاد کنیم من تصمیم گرفتم حتما از اینا منبع درآمد درست می‌کردم».

مدیریت برمدار انگیزش در قالب کارکردن با انگیزه خدمت، کار کردن به دلیل فشار زندگی، اشتیاق به مشاهده‌ی تاثیرات حاصل از کار و کار همسربه عنوان انگیزه‌ای برای حرکت در طرف مقابل بروز یافته بود.

خدمت‌رسانی به دیگران محرک لازم و خاصی برای کارکردن و همچنین ارتقاء انگیزه جهت عملکرد فردی در زلزله‌گردیده بود، که در قالب احساس سودمندی برای خود و دیگران و لذت از خدمت‌رسانی بروز یافته بود. به عنوان مثال مشارکت‌کننده‌ای بیان می‌کرد: «بعد از زلزله رفتم مدرسه که هم خودمان امیدمان را از دست ندیم. هم به بچه‌ها امید بدیم. به خدا بچه‌ها از مشکلاتشان می‌گفتند و از خانواده‌شان می‌گفتند. سعی می‌کردم کمک‌شان کنم». و یا شرکت‌کننده‌ای بیان می‌کرد: «من توی روستا تدریس می‌کنم بعد از سه چهار روز رفتم مدرسه و شروع کردم به درس دادن. اصلا کار ما خدمته. ما باید خوشحال باشیم تا بچه‌های مدرسه روحیه بگیرند. به بچه‌ها روحیه می‌دادم ورزش دادم و باهاشون کار کردم که خوشحالشان کرد».

هر فردی رابطه منحصربه‌فردی با فشارهای روانی ناشی از زندگی دارد. برخی از انسان‌ها زیر این‌گونه فشارها انگیزه بیشتری برای ادامه دادن و فعالیت کردن پیدا می‌کنند. طبق یافته‌های پژوهش برخی افراد در فشار نیازهای اقتصادی خود و خانواده و همچنین فشار ناشی از مسئولیت‌پذیری در قبال خانواده انگیزه‌ای مضاعف برای کار

کردن و تعدیل سختی‌های ناشی از شرایط سخت زلزله برای خود فراهم کرده بودند. به عنوان مثال مشارکت‌کننده‌ای بیان می‌کرد «این کانکس از یه خیرقرض گرفتم تا بتونم بدکاری هامون رو بدم و شروع کردم یه آرایشگری توش راه انداختم».

شور و اشتیاق از مشاهده تأثیرات حاصل از کار در قالب ایجاد انگیزه پویایی و تحرک برای رسیدن به آینده‌ای بهتر، امید به داشتن موفقیت بیشتر همراه با پشتکار، ایجاد نگاهی مثبت و فعال به زندگی و ایجاد انگیزه برای تحقق بخشیدن به رویاها بروز یافته بود. به ترتیب و به عنوان مثال مشارکت‌کننده‌ای بیان می‌کرد «تمام امیدم به آینده است دارم تلاش می‌کنم بلکه آینده‌ام بهتر باشه». و یا دیگری می‌گفت «به پسریم میگم مطمئن باش اگر پشتکار داشته باشی حتما موفق میشی». و یا شرکت‌کننده‌ای بیان می‌کرد «من همه کارم توی روستا بوده یک ساعت هم شهر نبودم چون بچه‌های روستا خیلی پیشرفت می‌کنند زود یاد می‌گیرند تو محیط پاکی بزرگ شدند و زندگی ساده‌ای دارند و بدون زرق و برق هستند». و دیگری می‌گفت «تمام پولایی که از آرایشگری گرفتم و جمع کردم که ماشین لباسشویی بگیرم، آخه اینجا آبش خیلی سرده منم بچه دارم. آرزوم بود یه ماشین بخرم».

گاهی افراد از فعالیت دیگران به عنوان محرک و وسیله‌ای برای رسیدن به آرامش و کسب انگیزه استفاده می‌کنند تا با شرایط جدید خود را منطبق سازند. طبق یافته‌های پژوهش، کار همسر برای مردان زلزله‌زده انگیزه‌ای برای فعالیت گردیده بود تا در قالب احساس تعهد در مقابل آنها و دستیابی به اهداف مشترک به اوضاع بعد از زلزله سامان داده و آن را مدیریت کنند. به عنوان مثال مشارکت‌کننده‌ای بیان می‌کرد «وقتی مردهاها می‌بینند که زن هاشون دارند کار می‌کنند و زحمت می‌کشند بلند می‌شنن همپای اونا کار می‌کنند تا زودتر کارهای باقیمانده تمام بشه».

آیا تفاوتی بین انطباق شغلی زنان و مردان درگیر بحران زلزله وجود دارد؟

به منظور بررسی تفاوت مشغولیت‌های شغلی انطباق‌پذیری زنان و مردان درگیر بحران

زلزله از تحلیل واریانس چند متغیری استفاده شد. در بررسی این فرضیه از مقادیر اثر پیلایی برای نتیجه‌گیری در جدول استفاده شده است.

جدول ۲. نتایج تحلیل مانوا مقایسه مشغولیت‌های شغلی انطباق پذیری شخصی با بحران‌های طبیعی زنان با مردان

شاخص‌ها	ارزش شاخص‌ها	ارزش F	درجه آزادی ۱	درجه آزادی ۲	معنی‌داری	η^2
اثر پیلایی	.۰۲۰	۱.۰۴۰	۳	۱۵۱	.۳۷۷	.۰۲۰
لامبدای ویلکز	.۹۸۰	۱.۰۴۰	۳	۱۵۱	.۳۷۷	.۰۲۰
t هوتلینگ	.۰۲۱	۱.۰۴۰	۳	۱۵۱	.۳۷۷	.۰۲۰
ریشه روی	.۰۲۱	۱.۰۴۰	۳	۱۵۱	.۳۷۷	.۰۲۰

در جدول * مشاهده می‌شود که مقدار F بدست آمده برای اثر پیلایی با مقدار $۵/۱۵۴$ و با درجه‌های آزادی ۳ و ۱۸۸ در سطح $p > ۰/۳۷۷$ معنی‌دار نشده است. حجم اثر برای منبع تغییر گروه $۰/۰۲$ به دست آمده است که مقداری ضعیف است و نشان می‌دهد جنسیت تأثیر ضعیفی بر تطابق شغلی با بحران دارد.

بحث و نتیجه‌گیری

آنچه انسان را از دیگر موجودات متمایز می‌کند داشتن توانمندی‌هایی است که او را برای رسیدن به شناخت یاری می‌رسانند. به این ترتیب انسان از این توانایی‌ها (قوای شناخت) در جهت تحقق خود و هدف‌های هایش سود برده و در مرکز توجه قرار می‌گیرد. بنابراین آموزه‌های انسان‌شناسی آن چه سبب بهترین عملکرد در انسان می‌شود، ارزیابی مثبت از خویشتن و توانمندی هایش می‌باشد (بندورا، ۱۹۸۶)

افراد با مدیریت بر مدار توانایی و مهارت از هنر و ذوق خود برای رفع نیازهای روانی خود بهره برده و با روی آوردن به مهارت‌ها به آشفته‌گی‌های ذهنی بعد از زلزله سامان بخشیده بودند و گاهی نیز با راه اندازی شغل‌های که قبل از زلزله در آن مشغول به کار بودند جهت رفع نیازهای اقتصادی خود تلاش می‌کردند که یکی از دغدغه‌های جدی

بعد از بحران زلزله بود. همچنین آنها با راه اندازی مشاغلی که تنها صبر در مدیریت آن می‌توانست سود و بهره‌ای را نصیب آنها گرداند بر روی مشاغلی سرمایه‌گذاری کردند که مشاغلی دیربازده اما پرسود بودند و از این طریق اوضاع نابسامان بعد از بحران را با آینده نگری مدیریت کردند. افراد بحران را بستری برای کسب مهارت‌های جدید و خلاقیت در ایجاد مشاغلی می‌دانستند که از آنها می‌توانستند به عنوان فرصتی برای یادگیری شغل‌های متفاوت بر حسب نیازهای گوناگون مانند نیاز خانواده، علاقه‌های مشترک و امکاناتشان استفاده کنند (کاوه، صارم و فراش، ۱۳۹۶)

ویژگی‌های انگیزشی افراد زلزله زده نیز عامل بسیار مهمی در حرکت آنها برای برون رفت از شرایط بحرانی بود. گاهی انگیزه خدمت به دیگران احساسی از سودمندی و لذت را برای خود و دیگران تداعی می‌کرد و گاهی مشاهده‌ی تأثیر حاصل از کار، انگیزه و پویایی را برای رسیدن به آینده‌ای بهتر ایجاد می‌کرد و امید را برای رسیدن به رویاها زنده نگه می‌داشت. گاهی سختی‌های زندگی عامل فعالیت آنان می‌شد و گاهی کار و پویایی همسر محرکی برای رسیدن به اهداف مشترک آنها در زندگی و تمام اینها در سایه‌ی مدیریت برمدار انگیزش اتفاق می‌افتاد.

آنچه در این میان در یافته‌های پژوهش تفاوت چندانی میان زنان و مردان نداشت، تطابق شغلی بود. تطابق شغلی برمدار توانایی و مهارت، دانش و انگیزش استوار بود. کار وسیله‌ای برای ایجاد ارتباط‌های اجتماعی و ورود به بعضی از شبکه‌های اجتماعی است. کار، زمان افراد را محدود می‌کند. در نتیجه، شاغل بودن زن و مرد، الزام‌های جدیدی برای سبک زندگی آنان پدید می‌آورد (فاضلی، ۱۳۸۹).

کار وسیله‌ای برای ایجاد ارتباط‌های اجتماعی و ورود به بعضی از شبکه‌های اجتماعی است. کار، زمان افراد را محدود می‌کند. در نتیجه، شاغل بودن زن و مرد، الزام‌های جدیدی برای سبک زندگی آنان پدید می‌آورد (فاضلی، ۱۳۸۹). با توجه به یافته‌های این پژوهش پیشنهاد می‌شود در سایر بحران‌های طبیعی چون سیل و .. در رابطه

با انطباق پذیری زنان و مردان مقایسه صورت گیرد. این پژوهش محدودیتهایی نیز داشت از جمله اینکه گروه نمونه، زنان و مردان متأهل شهر سرپل‌ذهاب با سطح اجتماعی اقتصادی متوسط بودند. به همین دلیل تعمیم نتایج آن به سایر گروهها باید با احتیاط انجام شود.

ملاحظات اخلاقی پژوهش

تمامی شرکت‌کنندگان برای شرکت در پژوهش رضایت شفاهی خود را اعلام نمودند و اطمینان لازم در مورد محرمانگی اطلاعات به آنها داده شده است.

سهم نویسندگان

نویسنده مسئول تمامی مراحل فرایند پژوهشی را به تنهایی مدیریت نموده و مسئول نگارش مقاله است.

حمایت مالی

این مقاله همسوبا برنامه‌ی هسته‌ی پژوهشی نویسنده مسئول تحت عنوان «ارزیابی مدیریت بحران زلزله کرمانشاه با تمرکز بر سویه‌های جنسیتی و خانوادگی» تحت حمایت مالی - معنوی مرکز تحقیقات زن و خانواده به شماره قرارداد ۳۲۳ مورخ ۱۳۹۹/۰۴/۰۴ نگارش و تنظیم شده است.

تعارض منافع

یافته‌های این مطالعه هیچ‌گونه تضاد با منافع شخصی یا سازمانی ندارد.

قدردانی

از کلیه‌ی زنان و مردان شهر سرپل‌ذهاب که با شرکت خود در پژوهش، به روند اجرای طرح کمک کردند، سپاسگزاری می‌شود.

منابع

- جلیلیان، م، صیدی، م، گل محمدیان، م. (۱۳۹۹). شناسایی شاخص‌های مدرسه کارآمد پس از زلزله: یک پژوهش کیفی از زلزله سرپل‌ذهاب. *فصلنامه پژوهشهای مشاوره*. ۱۹: ۷۴-۱۸۱، ۱۶۶.
- چنگی، ج؛ کاظمیان، س (۱۳۹۷). نقش عوامل حمایت روانی اجتماعی بر انطباق پذیری دانش آموزان کنکوری در بحران زلزله. *فصلنامه پژوهشهای مشاوره*. ۱۷: ۶۵-۷۱، ۱۰۳.
- صالحی، ر؛ عابدی، م؛ باغبان، ا؛ نیلفروشان، پ. (۱۳۹۳). بررسی ساختار عاملی، اعتبار و روایی مقیاس انطباق پذیری مسیر شغلی. *فصلنامه اندازه‌گیری تربیتی*، ۴: ۱۶-۴۹. ۶۱.
- فاضلی، م (۱۳۸۹). *مصرف و سبک زندگی، قم، صبح صادق*.
- کاظمی، آ (۱۳۸۹). *بررسی و مقایسه اثربخشی دو راهبرد آموزشی-شناختی-رفتاری و ذهن‌آگاهی در کاهش علائم S.T.S.D و مشکلات روان‌شناختی همسران جانبازان مبتلا به PTSD مزمن ناشی از جنگ تحمیلی*. کاشناسی ارشد روان‌شناسی. دانشگاه آزاد واحد تهران، مرکز: تهران.
- کاظمیان، س (۱۳۹۷). *ارائه الگوی مداخلات مشاوره‌ای انجمن مشاوره ایران در بحران زلزله کرمانشاه. فصلنامه پژوهشهای مشاوره*. ۱۷: ۶۵-۷۱، ۱۰۳.
- کاوه، ز؛ صارم، ا، فراش، ن. (۱۳۹۶). *مقایسه سبک زندگی سلامت محور زنان شاغل و غیرشاغل شهر شیراز با تاکید بر متغیرهای جمعیتی. نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران / سال دوازدهم، شماره ۲۳. ص ۲۰۵-۱۷۷*.
- یوسفی، ز (۱۳۹۰). *بررسی الگوهای فردی و موقعیتی با خود کارآمدی و انطباق‌پذیری مسیر شغلی در بین دانشجویان دانشگاه‌های سراسری شهر اصفهان*. رساله دکتری، رشته مشاوره، دانشگاه اصفهان.
- Bandura, A. (1986). *Social foundations of thought and action: A social cognitive theory*. Englewood Cliffs, NJ: Prentice Hall.
- Bandura, A. (1997). *Self-efficacy: The exercise of control*. New York: W.H. Freeman and Company.
- Bandura, A. (2012). On the functional properties of perceived self-efficacy revisited. *Journal of Management*, 38, 9-44. doi:10.1177/0149206311410606 Urdan (Eds.), *Self-efficacy beliefs of adolescents* (pp. 1-43). Greenwich, CT: Information Age.
- Gardner, D. M. (2011). *Parents' influence on child social self-efficacy and social cognition*. A Thesis submitted to the Faculty of the Graduate School, Marquette University, in Partial Fulfillment of the Requirements for the Degree Master of Science.
- Rossier, J., Zecca, G., Stauffer, S. D., Maggiori, C., & Dauwalder, J. P. (2012). *career adaptability scale in a french-speaking swiss sample: psychometric properties and relationships to personality and work engagement*. *Journal of vocational behavior*, 80, 734-743.
- Steven D. Brown, Robert W. Lent (2012). *Career Development and Counseling: Putting Theory and Research to Work*. John Wiley & Sons.
- Garnezy, N., Masten, A. S., & Tellegen, A. (1984). *The study of stress and competence in children: A building block for development psychopathology*. *Child Development*, 55, pp. 97-111

